

جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا و چالش‌های درونی در اردن

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۱/۲۹

یحیی فوزی^{*۱}

سید عباس هاشمی^۲

چکیده

در نگاهی کلی به نظریه‌پردازی جنبش اسلام‌گرایی در اردن، ماهیتی واحد ندارد و چند جریان مهم شامل اخوان المسلمین، سلفی‌گرایی در دو رویکرد سنتی و جهادی / تکفیری و جریانی کوچک از نوگرایان عمل‌گرا و میانه‌رو، مانند حزب الوسط را دربرمی‌گیرد. «واکاوی ژرف‌تر جنبش اسلام‌گرایی در اردن، تلاش برای بازشناسی جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا در این کشور، آرایش آنها در صحنه سیاسی و چالش‌های فکری درونی و مواضع آنها نسبت به یکدیگر» موضوع اصلی این مقاله است.

واژگان کلیدی: جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا، اردن، اخوان المسلمین، سلفی‌گرایی سنتی، تکفیری، حزب التحریر، حزب الوسط.

*۱. استاد گروه علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (نویسنده مسئول: yahyafozi@yahoo.com)

۲. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

مقدمه

اسلام‌گرایی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی - سیاسی، امروزه کانون مطالعات بسیاری از اندیشکده‌ها در سراسر جهان به‌شمارمی‌آید و صدالبته دلیل آن، تأثیرهای پر دامنه و ژرفی است که در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌دنبال داشته‌است؛ منطقه خاورمیانه به‌عنوان خاستگاه اصلی این پدیده در مرکز این توجهات قرار دارد و در کنار منابع عظیم انرژی و موقعیت راهبردی، اهمیت آن را برای تمام جهان مؤکد ساخته‌است؛ کشور اردن در این میان به‌عنوان یکی از مراکز شایان اهتمام در مطالعات اسلام‌گرایی مطرح بوده، برخی جریان‌های اسلام‌گرایی در درون این واحد جغرافیایی - سیاسی پدیدآمده، بالیده و چه‌بسا به خارج آن گسترش یافته‌اند.

در این مقاله، تلاش بر این است که ضمن ترسیم آخرین صف‌بندی جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا در این کشور با نگاهی ژرف‌تر به جنبش اسلام‌گرایی در اردن به بررسی چالش‌های فکری درونی آنها بپردازیم و به این پرسش پاسخ دهیم که «آرایش جریان‌ها و گروه‌های سیاسی اسلام‌گرا در اردن چگونه است و این جریان‌ها چه موضعی نسبت به یکدیگر دارند؟»؛ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند درکی جامع‌تر از جنبش اسلام‌گرایی در این کشور و آینده آن و نحوه سیاست‌گری در مواجهه با این جنبش در اردن فراهم‌آورد؛ به‌نظر می‌رسد، دستیابی به این هدف درگرو آشنایی هرچند گذرا یا بازخوانی اندوخته ذهنی در خصوص موقعیت و ویژگی‌های کشور اردن است.

الف - پیشینه تاریخی و موقعیت جغرافیایی و سیاسی اردن

اردن در زمان امپراتوری عثمانی، بخشی از ولایت دمشق و از مستملک‌های عثمانی محسوب می‌شد؛ این سرزمین، طی جنگ جهانی اول به اشغال انگلستان درآمد و با تمهیدهایی به‌صورت امیرنشین تحت نظارت انگلستان و امیری ملک عبدالله بن شریف حسین بن علی برادر فیصل، دیگر پسر حسین و اولین شاه سوریه و سپس عراق درآمد.

در سال ۱۹۴۶ با تصویب سازمان ملل متحد، اردن از قیمومت درآمد و قانون اساسی آن به‌تصویب رسید و پس از آن، نام این کشور «پادشاهی اردن هاشمی» شد و امیر عبدالله، «شاه عبدالله» خوانده‌شد. در سال ۱۹۵۱ وی ترور شد و جای خود را به پسرش طلال که از لحاظ جسمی و روحی بیمار بود سپرد و او نیز برای دوره‌ای کوتاه پادشاه شد؛ سپس ملک حسینی، فرزند وی از سال ۱۹۵۳

تا ۱۹۹۹ بر اردن حکومت کرد در پی فوت وی، ملک عبدالله دوم، شاه کنونی اردن جانشین او شد.

اردن از شمال با سوریه، از شمال شرقی با عراق، از شرق و جنوب با عربستان سعودی و از غرب با فلسطین اشغالی و کرانه باختری رود اردن همسایه است. اردن از جنوب به خلیج عقبه منتهی است. مساحت این کشور به‌طور عمده از صحراهای خشک و بایر تشکیل شده است. شهرهای عمده آن، امان (پایتخت) در شمال باختری و شهرهای اربد و الزرقا در شمال هستند. اردن از لحاظ اداری و اجرایی به دوازده استان تقسیم می‌شود. هریک از استان‌های دوازده‌گانه تحت هدایت و رهبری استانداری است که پادشاه، او را منصوب می‌کند. اردن یک کشور پادشاهی مشروطه است که قانون اساسی آن در ۸ ژانویه ۱۹۵۲ به تصویب رسیده است. قوه مجریه در اختیار پادشاه اردن و هیئت وزیران وی است. شاه تمامی قانون‌ها را امضا و تصویب می‌کند. دوسوم از هر دو مجلس ملی اردن می‌توانند رأی وتوی پادشاه را لغو کنند. پادشاه می‌تواند با ارائه حکم تمامی قضات را نصب و خلع کند، اصلاحیه قانون اساسی را تصویب کند، اعلام جنگ کند و به نیروهای مسلح فرمان بدهد. تصمیم‌های کابینه، احکام دادگاه‌ها و واحد پول ملی به نام وی صادر می‌شوند. شاه، هیئت وزیران را به ریاست نخست‌وزیر تعیین می‌کند؛ او همچنین می‌تواند بنابه درخواست نخست‌وزیر، هریک از اعضای کابینه را اخراج کند. کابینه باید در خصوص موضوع‌های مربوط به سیاست کلی در برابر مجلس نمایندگان اردن، پاسخگو باشد و این مرجع می‌تواند با رأی عدم اعتماد دوسوم از اعضایش، کابینه را به استعفا مجبور کند. نیروهای مسلح سلطنتی و اداره کل اطلاعات اردن، تحت کنترل پادشاه هستند.

بیشتر مردم حدود ۶ میلیون نفری اردن، مسلمان و اهل سنت هستند. مذهب رسمی در اردن، مذهب حنفی است و شیعیان ۲ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. اغلب جمعیت اردن از نسل اعراب بدوی هستند یا اصلیت قومی نژادی دارند که ۴۰ درصد جمعیت اردن را به خود اختصاص می‌دهد؛ باوجود این، ۵۵ درصد جمعیت اردن از اصل و تبار فلسطینی هستند که پس از جنگ‌های اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۸ و ۱۹۶۷ از فلسطین گریخته، یا به‌عنوان پناهنده به اردن وارد شده و در آنجا تابعیت اردن را پذیرفته‌اند؛ ۵ درصد باقی‌مانده جمعیت اردن را اقلیت‌های نژادی مختلف، شامل سوری‌ها، چچنی‌ها، قرقیزستانی‌ها، آشوری‌ها، ارمنی‌ها و اکراد تشکیل می‌دهند که برخی از آنها خود را با فرهنگ عرب وفق داده‌اند؛ مسیحیان نیز قریب به ۶ درصد جمعیت اردن را تشکیل می‌دهند (سایت ویکی پدیا فارسی، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۳).

با این مقدمه کلی از وضعیت جغرافیایی، جمعیتی و سیاسی اردن به بحث اصلی جریان‌های اسلامی در این کشور می‌پردازیم.

ب- جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا در اردن

در اردن در کنار جریان‌های قوم‌گرا و سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها، دو نوع جنبش سازمان‌یافته مذهبی اسلامی وجود دارند که نخستین نوع از جریان‌های اسلام‌گرا بر اهداف دینی در حوزه فردی تأکید دارد و دومین جریان اسلام‌گرا، نگرشی دینی - سیاسی به اسلام دارد و خواستار تأثیرگذاری بر دولت است.

درواقع، جریان‌های اسلامی نوع اول اردن، جریان‌هایی هستند که فعالیت خود را در حوزه‌های به‌طور صرف، فرهنگی و مذهبی متمرکز کرده‌اند. گروه‌های مذهبی سازمان‌یافته اسلامی که برنامه سیاسی ندارند و شامل صوفی‌ها و گروه‌های جماعة التبلیغ و جماعة السوفیة هستند. گروه‌های صوفی که طی چهار یا پنج دهه گذشته از کشورهای مختلف همسایه در سراسر اردن پخش شده‌اند بر رفتار و سلوک روحانی و مذهبی فردی و رابطه با خداوند خالق تأکید دارند. گروه‌های صوفی که در اردن حضور دارند، شامل شاذلیه، تمیه و قلوطیه هستند؛ آنها اعضای خود را از همه لایه‌های اجتماعی اقتصادی مناطق شهری و روستایی اختیاری می‌کنند. اعضا به‌طور مرتب گردهم می‌آیند. یکی از تأثیرهای مهم فعالیت این گروه‌ها بالابردن سطح آگاهی اسلامی است؛ برای نمونه جماعة التبلیغ (یا تبلیغی جامعه) که از هند آغاز شد بر گسترش کلام خدا و اسلام تأکید می‌کند. اعضای این جماعت، ملزم هستند که یک ساعت در روز یا یک روز کامل در ماه را به تبلیغ و موعظه کلام خدا بپردازند. جماعة السوفیة، خواستار بازگشت به قرآن و سنت و نیز راه و رسم قرون نخست اسلام هستند.

اما دومین جریان اسلام‌گرا در اردن، جریانی با نگرشی دینی - سیاسی است. برخی محققان، مهم‌ترین گروه‌های اسلامی از این دست در این کشور را جماعت اخوان المسلمین و حزب سیاسی وابسته به آن، یعنی جبهه عمل اسلامی، حرکت دعاء و حزب اسلامی الوسط می‌دانند و البته بر این باورند که دو جریان اخیر، پایگاه اجتماعی و مردمی چندانی ندارند (الرتناوی، ۲۰۰۶: ۲) و برخی دیگر از محققان از سه جریان اصلی و تأثیرگذار اسلامی در صحنه سیاسی اردن یاد کرده‌اند که شامل جماعت اخوان المسلمین، سلفیه (در دو شکل سنت‌گرا و رادیکال) و حزب التحریر اسلامی می‌شود (ابورمان و ابوهنیة، ۲۰۱۲: ۹)؛ به‌نظر می‌رسد تقسیم‌بندی دوم، بیشتر با واقعیت عرصه سیاسی اردن

مطابقت داشته باشد؛ هرچند برخی از این جریان‌ها مانند سلفی‌های رادیکال و حزب التحریر در حال حاضر به طور رسمی به فعالیت مجاز نیستند ولی به شکل مخفیانه در داخل و خارج این کشور فعالیت می‌کنند؛ بر این اساس به بررسی مهم‌ترین جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا در اردن به شرح زیر می‌پردازیم:

۱- جریان اخوان المسلمین

در اردن مهم‌ترین جنبش اسلام‌گرا گروه اخوان المسلمین است که نقشی مهم در تحولات سیاسی آن کشور دارد. عواملی چند در فراهم آوردن فضای مناسب برای پیدایش اخوان در اردن سهیم بودند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

اول- تأثیر جماعت اخوان المسلمین مصر بر شکل‌گیری اخوان در اردن: در اصل، رهبران اخوان اردن، بومی بودند، اما تحت تأثیر جماعت مادر در مصر شکل گرفتند. گفتنی است، حاج عبداللطیف ابوقوره، بنیان‌گذار جماعت در اردن که در سال ۱۹۳۶ در فلسطین جنگیده بود، با جماعت اخوان المسلمین مصر در سال ۱۹۴۳ تماس یافت. عامل پیوند وی با اخوان، مواضع اخوان در قبال مسئله فلسطین بود. ابوقوره، با شیخ حسن البنا تماس گرفت و با او بیعت کرد؛ پس از آن به عضویت در هیئت مؤسسين اخوان المسلمین در مصر انتخاب شد؛ سپس وی به اردن بازگشت و مقدمات تأسیس اخوان اردن را فراهم کرد.

دوم- عنایت و توجه هیئت حاکمه این کشور به جماعت: به‌طور کلی، عاملی مهم، وضعیت اخوان در اردن را از وضعیت آنها در کشورهای دیگر متفاوت می‌سازد و آن، این است که اخوان المسلمین اردن با حمایت پادشاه در آن کشور تأسیس شد؛ هرچند پادشاه، دلیل این امر را علاقه خود به گروه‌های اسلام‌گرا بیان کرد، یکی از دلایل اصلی توجه ملک عبدالله به اخوان، موضع قدرتمندانه این جماعت در قبال ملک فاروق در قاهره در سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ است، وی در آن زمان، رقیب هاشمی‌ها در جامعه اردن بود؛ در این راستا ملک عبدالله به اخوان که پیوسته با ملک فاروق در حال کشمکش بودند، عنایتی فراوان داشت و هم بدین سبب امیر، خود در افتتاح دفتر عمومی جماعت در ۱۹ نوامبر ۱۹۴۵ شرکت کرد و به‌طور ضمنی، سازمان را مورد تأیید قرار داده، آن را قانونی کرد و از آن پس، سازمان، روابطی ویژه با سلطنت هاشمی پیدا کرد (ن.ک. عبدالکاظم، ۱۹۹۷،

43-13)؛ باین حال، امیر هشداد در صورتی که فعالیت‌های اخوان از حالت معنوی خارج و سیاسی شوند، این لطف و احسان قطع خواهد شد؛ این عوامل باعث شد که اسلام‌گرایی اخوانی اردن، طی چند دهه گذشته، شکل خشونت‌آمیز به خود نگیرد زیرا اخوان‌المسلمین، خود را مدیون حکومت و وابسته به آن می‌دید؛ بر همین اساس، این جنبش همواره در پی تأسیس جامعه‌ای مبتنی بر شریعت با اتکا به روش‌های مسالمت‌آمیز و به دور از روش‌های انقلابی بوده است (ن. ک: السید، ۲۰۱۲: ۶).

سوم - شرایط ویژه اردن: این کشور از یک سو بزرگ‌ترین مرز را با اسرائیل دارد و بیشترین فلسطینی‌های آواره در این کشور به سر می‌برند؛ بنابراین موضوع فلسطین، یکی از زمینه‌های رشد این جنبش در اردن است؛ به علاوه، مشکلات سیاسی و اقتصادی و گسترش فساد و استبداد سیاسی و عدم پایداری حکام به شریعت و وابستگی آنها از عوامل مؤثر دیگر بر قدرت‌یابی این جریان در اردن است.

۱-۱- روند فعالیت‌ها و مواضع اخوان‌المسلمین اردن: فعالیت‌های اخوان‌المسلمین اردن را با

توجه به چگونگی تعامل آن با دولت این کشور می‌توان به چند دوره کم‌وبیش متمایز تقسیم کرد: نخست، دوره همزیستی و حمایت متقابل که از زمان تأسیس اخوان اردن تا اوایل دهه ۱۹۸۰ ادامه یافت. همان‌گونه که گفته شد از ابتدای ورود اخوان به اردن، روابطی ویژه میان این گروه و سلطنت هاشمی اردن ایجاد شد که این عامل، باعث شد طی دهه‌ها سال گذشته، اسلام‌گرایی اردن، شکلی محافظه‌کارانه داشته باشد. بر پایه این روابط، اخوان در بحران‌های مختلف از حکومت دفاع کرد، از جمله در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که رژیم اردن، آماج انتقادهای و حملات دولت‌های گوناگون عربی و جنبش‌های پان عرب غیرمذهبی قرار داشت، اخوان‌المسلمین در مقابل این انتقادهای، احزاب سیاسی را به‌باد حمله گرفت و آنها را دشمن خدا نامید؛ در واکنش به این حمایت‌ها، هنگامی که دولت اردن در ۱۹۵۷، حکومت نظامی اعلام کرد و احزاب سیاسی غیرمذهبی از فعالیت منع شدند، اخوان همچنان به فعالیت خود ادامه داد و در نتیجه، افراد این جماعت توانستند برای نزدیک به سه دهه بدون وجود هیچ‌گونه رقیبی در تمامی سطوح اجتماعی حمایت جلب کنند.

همچنین هنگامی که در سپتامبر سال ۱۹۷۰، رژیم اردن در عملیاتی که به نام «سپتامبر سیاه» معروف شد، به سرکوب فلسطینی‌های مستقر در اردن پرداخت، اخوان‌المسلمین اردن در این ماجرا و در اثنای تصفیه مقاومت، فقط تماشاچی بود؛ پس از این عملیات، جماعت به همزیستی مسالمت‌آمیز و مبتنی بر پشتیبانی متقابل با حکومت ادامه داد (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۱ تا ۷۵)؛ در سال‌های بعد نیز اخوان با

مشغول کردن خود در اقدام‌های اجتماعی به نظاره اوضاع سیاسی پرداخت. در این مقطع زمانی (یعنی از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹)، اخوان تمام تلاش خود را برای ایجاد مؤسسات خیریه، اجتماعی، تربیتی و بهداشتی صرف کرد و به‌وسیله این مؤسسات در دل اجتماع اردن نفوذ خود را گسترش داد و امکانات تشکیلاتی عظیمی به‌دست آورد. اخوان‌المسلمین از طریق «انجمن خیریه مرکز اسلامی»^۱، خود یکی از بزرگ‌ترین مراکز گردآوری و انجام خدمات امور خیریه محسوب می‌شود (هری‌گان و السید، ۲۰۰۹).

از طرف دیگر، ترقی بسیاری از شخصیت‌های اخوانی و دستیابی آنها به موقعیت‌ها و مناصب رسمی و مشاغل عمومی مهم، موقعیت آنها را محکم‌تر کرد؛ اخوان در این سال‌ها فعالیت خود را به سندیکاهای کارگری اتحادیه‌های شغلی مختلف گسترش داد و توانست رهبری برخی از آنها را برعهده بگیرد؛ علاوه بر این به آغاز و افزایش مشارکت در فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه‌های اردن همت گماشت (الأحزاب السياسیة فی الأردن، ۲۰۰۳ در قواس، ۲۰۱۱). در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ نیز، با آغاز بحران در روابط اردن و سوریه، سیاست اخوان و دولت اردن به هم نزدیک شد و دو طرف با صرف‌نظر از اهداف نهایی و عوامل و اسباب درخصوص حمایت از اخوان سوری در درگیری با دولت این کشور از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲، اتفاق‌نظر داشتند و به آنها پناهندگی و اقامت دادند؛ همچنین شاه به‌منظور تربیت افراد اخوان سوری و تضعیف حکومت حافظ اسد، الخلیفه (ناظرکل اخوان) را تشویق کرد که در شمال اردن، پایگاه‌های شبه‌نظامی تأسیس کند؛ در واقع، اخوانی‌های اردن در حمایت خود از اخوان سوری، نقش ابزاری را برای سیاست خارجی اردن تا سال ۱۹۸۵ ایفا کردند (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۵ تا ۷۸، ۸۲ و ۸۳ و اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۱۵۲)؛ البته در طول این سال‌ها برخی ناهمسویی‌ها میان اخوان و رژیم اردن نیز بروز کرد که بیشتر در زمینه سیاست خارجی نمود یافت، از جمله سیاست پادشاهی اردن در قبال پیمان بغداد در اواسط دهه ۱۹۵۰، بهبود روابط با رژیم سوریه که در پی سرکوب اخوان در دهه ۱۹۸۰ در آن کشور به سردی گراییده بود و...؛ با این حال، روابط این جنبش با رژیم پادشاهی اردن، گرم و درکل، بدون مشکل بود (السید، ۲۰۱۲: ۱۴).

در دهه ۱۹۸۰ و تحت تأثیر رشد اسلام‌گرایی در منطقه، دو جریان فکری و تشکیلاتی در جماعت اخوان تبلور یافت؛ جریان اول، جریان رادیکال جهادی (و پس از آن، تکفیری) بود که جامعه فعلی را جامعه‌ای جاهلی می‌دانست و به شیوه‌ای انقلابی خواستار تربیت جوانان براساس تربیت

۱. جمعیه المركز الإسلامی الخیریة

اسلامی بود؛ اما جریان دوم، جریان بازی بود که به کنش با جامعه و گفتگو با دولت‌ها، جریان‌ها و گرایش‌های سیاسی و مشارکت در توسعه و ساخت جامعه، براساس شیوه‌های سیاسی و دموکراتیک معتقد بود.

در این سال‌ها جریان جوان رادیکال‌تر توانست تا حدودی موقعیت خود را در جماعت اخوان اردن در دهه ۱۹۸۰ تحکیم بخشد و همین امر موجب چالش میان حکومت و اخوان شد و بر این اساس، اخوان به اتهام تهدید بالقوه برای ثبات رژیم، هدف دستگاه‌های امنیتی اردن قرار گرفت، لذا اعضای جنبش، دستگیر شده شغل خود را ازدست دادند که این وضعیت، موجب تضعیف اخوان و به‌خصوص جریان تندرو آن شد.

این شرایط ادامه داشت تا اینکه اردن از سال ۱۹۸۹ به افت اقتصادی و کاهش ارزش دینار به میزان ۵۰ درصد، دچار شد و متعاقب آن، سلسله بحران‌های اقتصادی، نقض حقوق سیاسی، فساد مالی و اداری و ...، جامعه اردن را به ناآرامی‌های خشونت‌بار کشاند؛ شاه اردن به‌منظور مهار بحران و پیامدهای آن، تصمیم گرفت برخی اصلاحات از جمله لغو حکومت نظامی، آزادی احزاب و مطبوعات را انجام دهد که با این اصلاحات، انتخابات پارلمان در سال ۱۹۸۹ با مشارکت گروه‌های مختلف از جمله جریان معتدل اخوان همراه شد. با توجه به سازماندهی مناسب و پایگاه اجتماعی، اخوان با شعار «اسلام تنها راه حل است» (الاسلام هو الحل) در این انتخابات به پیروزی‌هایی مهم دست یافت (See; Eyadat, 1997: 143-166). در این انتخابات که اوج اقدام‌های دموکراتیک رژیم بود و پس از ۲۲ سال برگزار شد، اخوان در شرایط تشکیلاتی و موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی مناسب، پیروزی‌هایی عمده کسب کرد و به جناح عمده مخالف دولت تبدیل شد. از ۳۳ کرسی اسلام‌گرایان، ۲۰ کرسی نصیب اخوان‌المسلمین و ۱۳ کرسی دیگر نصیب گروه‌های اسلام‌گرای کوچک‌تر (اسلام‌گرایان مستقل) همسو با آن شد (ن.ک. هری‌گان، ۲۰۰۹)؛ علاوه بر این، اخوان‌السلمین، پیروزی‌هایی سریع و قابل توجه در انتخابات اتحادیه‌های صنفی، جنبش‌های دانشجویی و انجمن‌های حرفه‌ای نیز به‌دست آورد که این امر به‌منزله، پایان یافتن انحصار و برتری نامزدهای ناسیونالیست و چپ‌گرا در این تشکل‌ها بود (عبدالکازم، ۱۹۹۷: ۲۳-۲۴).

جنبش اخوان‌المسلمین، طی دوران مشارکت در قدرت، روش محافظه‌کارانه و سیاست‌های گام‌به‌گام را دنبال کرد و به دنبال تغییری در اصل نظام نبود؛ به این سبب، پیروزی انتخاباتی اخوان با

دشمنی یا ترس پادشاه مواجه نشد. چون اخوان همچنان گفتمان مخالف معتدل را پی‌گرفت و در سطح عملکرد نیز، توافق و نزدیکی خود را با دربار حفظ کرد؛ هرچند دولت نیز تلاش کرد تا با اجازه فعالیت دادن به برخی احزاب کمونیست و قوم‌گرا به روش نظام برای تضعیف نفوذ روبه رشد اسلام-گرایان کمک‌کند.

بحران خلیج فارس (ورود نیروهای عراق به خاک کویت در آگوست ۱۹۹۰)، موجب تقویت گرایش‌های رادیکال شد؛ به‌ویژه در میان توده‌های اردنی که با موضع حماس مبنی بر لزوم عقب‌نشینی نیروهای بیگانه و نیز خروج نیروهای عراق از کویت و تشکیل نیروهای پاسدار صلح عربی برای استقرار در مرزهای درگیر، همسو بودند؛ در این اوضاع و شرایط، پادشاه دریافت که جماعت اخوان در مقایسه با سایر نیروها، انضباط و تعادلی بیشتر دارد و در نتیجه در گرداب این حوادث می‌توان به حمایت آن امیدوار بود؛ بنابراین در پی جلب رضایت اخوان برآمد؛ لذا با تغییرهایی در کابینه از برخی نیروهای میانه‌رو اخوان برای شرکت در کابینه دعوت کرد و پنج سمت وزارتی در اختیار آنها گذاشت و در نتیجه، موضع اسلام‌گرایان میانه‌رو نیز تقویت شد (رابینسون، بهمن و اسفند ۱۳۷۶: ۵۶).

نتیجه بحث در خصوص مشارکت جماعت در کابینه از یک سو به تنش‌های داخلی و اعتراض‌های درون‌گروهی میان گروه رادیکال منجر شد که خواستار عدم مشارکت در دولت بودند و مشارکت در کابینه را به‌طور شرعی، حرام می‌دانستند با جناح میانه‌رو که قائل به مشارکت در کابینه بودند. جناح رادیکال میان مجلس و دولت، تفاوت قائل بودند در حالی که مشارکت در مجلس را جائز می‌شمردند زیرا آن را نوعی جایگاه نظارتی می‌دانستند اما شرکت در دولت را شرکت در گناه کسانی می‌دانستند که به امر خدا حکومت نمی‌کنند.

در مقابل، گروه میانه‌رو از مشارکت در دولت حمایت می‌کردند و با استناد به سیره برخی پیامبران مانند یوسف با پادشاه کافر معتقد بودند که مشارکت در دولت می‌تواند منافعی بسیار را برای جنبش اسلامی به وجود آورد بنابراین حرمتی ندارد.

این استدلال‌های فقهی دو طرف در خصوص همکاری با دولت یا عدم همکاری با پادشاه غیرمشروع و فاسق، صفت‌بندی جدیدی را در جماعت ایجاد کرد؛ زمینه‌های این انشعاب پیش از مشارکت در کابینه و در پی انتخابات تشکیلاتی (به‌منظور تطبیق جماعت با تغییرات سیاسی دموکراتیک) در تابستان ۱۹۹۰ فراهم شده بود؛ در این انتخابات، عناصر افراطی از مناصب رهبری که

در نیمه دهه ۱۹۷۰ جماعت را رهبری می‌کردند، دور شدند و افرادی میانه‌رو به عضویت دفتر اجرایی و مجلس شورا تسلط یافتند (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۹ تا ۱۰۱، ۹۶ و ۹۷)؛ ازسوی دیگر در این شرایط، اخوان در موضع اجرایی قرار گرفتند که این امر می‌توانست محبوبیت آنها را در جامعه تغییر دهد.^۱

۲-۱- **تشکیل حزب عمل اسلامی اردن:** در سال ۱۹۹۱ با صدور قانون احزاب ازسوی دولت، جناح میانه‌رو اخوان‌المسلمین، ضمن استقبال از آن، تصمیم گرفت به فعالیت سیاسی در قالب حزبی جدید اقدام کند و به منظور حفظ قدرت خود در عرصه سیاسی در این سال با همکاری افراد اسلام‌گرای مستقل و گروه‌های سیاسی دیگر، حزبی سیاسی با عنوان «حزب عمل اسلامی» تأسیس کرد؛ این راهکار به اخوان‌المسلمین اجازه داد که از لحاظ سیاسی، همچنان بانفوذ باقی‌مانند اما به‌طور مستقیم در فعالیت‌های سیاسی مشارکت نکنند (ن.ک.هری‌گان، ۲۰۰۹)؛ جناح رادیکال با طرح تبدیل جماعت به حزب مخالفت کردند، زیرا این تغییر و تبدیل را خطری برای جماعت می‌دانستند که سرنوشت جماعت را به سرنوشت سایر احزاب مربوط می‌کند.

درمقابل، تعدادی اندک از رهبران معتقد بودند که تبدیل جماعت به حزب سیاسی، فرصت فعالیت در پارلمان و مؤسسات عمومی را برای جماعت فراهم و راهی مناسب برای دستیابی به حکومت، یعنی تشکیل دولت پارلمانی مهیامی کند؛ سرانجام جماعت تصمیم گرفت خود به ادامه فعالیت‌های محلی، نظیر فعالیت‌های تربیتی و خیریه تعاونی بپردازد و حزب سیاسی با تشکیلات مستقل از جماعت ایجاد شود که در آن، اخوان و اسلام‌گرایان مستقل به فعالیت سیاسی بپردازند.

جماعت با این انتخاب ازیک‌سو، مخالفت داخلی را خنثی کرد و درعین‌حال، پاسخگوی خواست‌های قانون احزاب نیز بود که دولت درعمل، آن را اعلام کرده از اخوان خواسته بود که خود را

۱. ازجمله مهم‌ترین اصلاحاتی که وزیر جدید آموزش، *عبدالله العقلیه* به‌جراگذاشت، جداسازی زن و مرد در محل‌های کار و مدارس، تجدیدنظر در متون درسی، انتصاب اعضای اخوان‌المسلمین به پست‌های کلیدی وزارتخانه و در برخی موارد قرارداد دادن مردان به‌جای زنانی بود که در موقعیت‌های استراتژیک قرار داشتند. رهبران اخوان‌المسلمین در اردن، تحصیلات عالی دارند و بسیاری از آنها از دانشگاه‌های آمریکا، دکتری گرفته‌اند؛ گذشته از این، بسیاری از رهبران اخوان‌المسلمین از خانواده‌های سرشناس برخاسته‌اند که سوابق عشیره‌ای مهمی دارند و این امر در اردن (که حمایت قبیله‌ای، نقشی مهم دارد، قابل توجه است) و بخش عشیره‌ای سنتی جمعیت اردن، هنوز بر ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه تسلط دارد.

با مستلزم‌های این قانون تطبیق‌دهد (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۹ تا ۱۰۱، ۹۶ و ۹۷) و اینچنین، اخوان به هنگام روبه‌روشدن با نظام پارلمانی جدید و رقابت حزبی، تصمیم‌گرفت حزبی سیاسی-اسلامی با شرکت همه اسلام‌گرایان تأسیس کند.

اصول و عقاید اعلام‌شده این حزب در مرام‌نامه حزبی، نمایانگر روش محافظه‌کارانه و سیاست‌های گام‌به‌گام بسیاری از اعضای برجسته سازمان است؛ این حزب همچنان گفتمان مخالف معتدل را مطرح و در سطح عملکرد نیز، توافق و نزدیکی خود را با دربار حفظ می‌کرد، اسحاق فرمان، دبیر کل حزب، تفاوت میان کارکرد و اهداف جماعت و حزب را شرح داد و خاطر نشان کرد که جماعت، حزبی سیاسی نیست، بلکه گسترده‌تر و فراگیرتر از یک حزب است، «وظیفه آن دعوت به اسلام فراگیر و به‌کار بستن آن در تمامی مسائل زندگی است، اما حزب، یک تلاش سیاسی معاصر برای ایجاد قالب اسلامی انعطاف‌پذیری است که شامل تمام شهروندانی می‌شود که به فکر و فرهنگ اسلامی به‌عنوان راه‌حلی برای مشکلات امت اسلامی ایمان دارند و طرح نهضت اسلامی و عربی را می‌پذیرند». وی خاطر نشان می‌کند که این حزب دینی، طایفه‌ای و منطقه‌ای نیست بلکه حزبی اسلامی است. بیانیه حزب با عنوان «برخی از مشخصات جبهه عمل اسلامی» ضمن ترسیم گرایش‌های سیاسی و فکری این حزب، اهداف آن را اینچنین تبیین می‌کند: حرکت به سمت اجرای شریعت اسلامی، رسیدگی به مسئله فلسطین و تلاش برای آزادسازی این کشور، تحکیم وحدت ملی، تحکیم شورا و دموکراسی و دفاع از آزادی‌ها و حاکمیت قانون، خدمت به مردم و توجه به مشکلات آنها، توسعه فراگیر از دیدگاه اسلامی حزب برای تحقق اهدافش بر فعالیت مردمی و اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی، تبلیغاتی و همچنین بر فعالیت پارلمانی و نیز فعالیت سیاسی از طریق مشارکت در قوه مجریه یا مخالفت سیاسی سازنده تکیه خواهد کرد (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

این حزب، به‌عنوان بزرگ‌ترین حزب اردن در مقابل دیگر احزاب قوی و سوسیالیستی و به‌عنوان حزبی اسلام‌گرا از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، روزنامه *الرباط* و در سال ۱۹۹۳، روزنامه *السبیل* را منتشر کرد؛ ریاست شورای اداری این روزنامه را حمزه منصور، رئیس فراکسیون پارلمانی حزب برعهده داشت و اسلام‌گرایان عرب مهمی مانند منیر شفیق، دکتر عادل حسین و فتحی یکن در آن به نگارش مشغول بودند؛ همچنین این حزب، ماهنامه *العمل الاسلامی* را منتشر کرد؛ این ماهنامه سطح و تأثیر حزب را منعکس نمی‌کرد و در شمارگان محدود و تعداد صفحات کم منتشر می‌شد و بیشتر به نگارش داوطلبانه،

متکی بود. تشکل این حزب، بیانگر تحولی نوعی در تفکر جماعت اخوان در تلاش برای سازگاری با اوضاع سیاسی است و گامی به منظور ساختن الگوی پیشرفته‌ای در فعالیت سیاسی - اسلامی در نظام دموکراسی به حساب می‌آید (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۳).

نتایج انتخاب سال ۱۹۹۳، جبهه عمل اسلامی را به‌عنوان بزرگ‌ترین حزب سیاسی اردن مطرح ساخت چراکه ۱۶ کرسی از مجلس را به خود اختصاص داد (کاپرول، ۲۰۱۲: ۷)؛ در این انتخابات برنامه انتخاباتی حزب، نگرانی‌های پارلمانی و مسئله آزادی‌ها و سپس مسائل تربیتی و اخلاق اسلامی در جامعه و اسلامی کردن قوانین و مؤسسات اجتماعی و سیاسی را مطرح شد؛ این برنامه، خواستار کاستن از اختیارات قوه مجریه و اختیارات وزارت کشور و واگذاری حق اداره روند انتخابات به قوه قضائیه شد؛ همچنین زدودن ربا از قوانین مالی و اصلاح تلویزیون از بعد نظارت اخلاقی و تبدیل دستگاه وعظ و ارشاد در وزارت اوقاف به مؤسسه‌ای مستقل از نظر اداری و مالی از دولت را خواستار شد؛ این برنامه به سیاست اجتماعی عام از دیدگاه اصلاح‌طلبان درخصوص مبارزه با فقر، توزیع ناعادلانه ثروت، مبارزه با فساد و تأسیس صندوقی برای ازدواج اشاره کرد و بر مبارزه به عادی‌سازی روابط فرهنگی و تبلیغاتی با دشمن صهیونیستی تأکید و خط‌سازش و قرارداد اسلو را محکوم کرد و به شعائر آزادسازی فلسطین و تحقق وحدت عرب در چارچوب اسلامی آن، متعهدماند.

امضای معاهده صلح اردن با اسرائیل در ۱۹۹۴، به‌طور مجدد، روابط اخوان و پادشاه را تیره‌ساخت و حکومت دوباره دستگیری اسلام‌گرایان را به‌ویژه در ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۵ آغاز کرد و آنها پست‌های خود را در کابینه از دست دادند؛ بر این اساس، جماعت اخوان و حزب جبهه عمل اسلامی، پس از ۱۹۹۳، دیگر با دولت، روابط دوستانه و همبستگی و همفکری نداشتند (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱۵ تا ۱۱۷). اخوان در سال‌های بعد، انتخابات ۱۹۹۷ و دیگر انتخابات‌ها را به‌طور عمده تحریم کرد و این مسئله، رقابت انتخاباتی را تضعیف و فضای انتخابات را نیز از جنجال و هیجان‌های انتخاباتی خالی کرد و روابط دولت و اخوان را در دهه بعد، شکل تقابلی داد. اما در سال‌های اخیر، دولت تلاش کرده‌است تا براساس منافع و مصالح خود از اخوان حمایت کند به‌طوری‌که در این سال‌ها پادشاهی اردن برای جلوگیری از گسترش فعالیت سلفیان و دیگر گروه‌های اسلامی، خود را ناچار از پشتیبانی و تأمین فضای عمل برای اخوان و حزب سیاسی آن، یعنی جبهه عمل اسلامی دیده‌است (کاپرول، ۲۰۱۴: ۱۴)؛ درحال حاضر، این گروه به‌عنوان جریانی مهم و تأثیرگذار با مواضع میانه‌روانه و

محافظه‌کارانه در عرصه سیاسی اردن حضور دارد.

۲- جریان سلف‌گرایی

۱-۲- سلفیان سنت‌گرا / محافظه‌کار: ریشه‌های سلفی‌گری در اردن در واقع به واسطه اخوان المسلمین و از طریق جناح تندروی درون آن ایجاد شد. می‌توان گفت که دو جریان در داخل اخوان از ابتدای تأسیس آن پدید آمدند: نخست، جریانی پراگماتیست / عمل‌گرا که ملتزم به خط و افکار امام حسن‌البناء بود و اصول آن را مرشد اخوان، حسن‌الهضبی در کتاب خود با عنوان *دعاة لا قضاة*^۱ ترسیم کرد؛ جریان دیگر گروه تندرو که پیرو افکار سید قطب بود و اصول آن در کتاب وی با نام *معالم فی الطريق* آمده است و البته گروهی از پیروان وی در عربستان نیز بعدها در تبلور و تحکیم این جریان، سهیم بودند و در واقع، نسخه‌ای وهابی از سلف‌گرایی را به وجود آوردند (ابورمان، ۲۰۱۲: ۲۳۵). سلف‌گرایی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی از اوایل دهه ۱۹۸۰ و هم‌زمان با استقرار سکونت‌یافتن یکی از رهبران معروف این حرکت به نام شیخ حسن‌الآلبانی (۱۹۱۴ تا ۱۹۹۹)^۲ در اردن (اوایل دهه ۱۹۸۰) آغاز شد. وی در سال ۱۹۲۲ در پی سقوط امپراتوری عثمانی از آلبانی به دمشق مهاجرت کرد. او در آنجا و از طریق مجله *المنار* که رشید رضا (۱۸۶۵ تا ۱۹۳۵) آن را منتشر می‌ساخت با سلفیه آشنا شد (هادی، ۲۰۰۳: ۱۱).

با وجود آنکه سلفیان اردن از ابتدا اعلان کرده بودند به فعالیت‌های سیاسی نمی‌پردازند و مفهوم و مبانی «حزب سیاسی» را قبول ندارند و اطاعت از حکام را واجب می‌شمرند، به‌زودی بر سر جذب هوادار و تسلط بر مساجد به رقابت و حتی منازعه‌ای شدید با دیگر گروه‌های سیاسی به‌ویژه اخوان المسلمین، وارد شدند؛ تا آن زمان، مساجد، مکانی مساعد برای اخوان به‌عنوان پایگاه اجتماعی و محل تبلیغ و فعالیت بودند (ن.ک. مجموعه من المؤلفین، ۲۰۱۱). شایان گفتن است، دولت اردن که در

۱. دعوت‌کننده‌ایم، نه قاضی

۲. از *الآلبانی*، نزدیک به ۲۱۶ اثر باقی‌مانده که بیشتر آنها به علم حدیث مربوط‌اند. در خصوص زندگی، فعالیت‌ها و آثار آلبانی رجوع شود به: سمیر بن‌أمین الزهیری، *محدث العصر الآلبانی*، دار المغنی للنشر و التوزیع، الرياض، الطبعة الثانية، ۱۴۲۱ هـ. و *ابراهیم محمد العلی*، محمد ناصر. *الدين الآلبانی*، محدث العصر و ناصر السنة، دار القلم، دمشق، الطبعة الأولى، ۲۰۰۱ و نیز محمد بن *ابراهیم الشیبانی*، حیاة الآلبانی وآثاره و نناء العلماء علیه، منشورات مرکز المخطوطات والتراث والوثائق، الكويت، الطبعة الثانية، ۲۰۰۴.

دوره‌ای از سخنرانی و تدریس شیخ سلفیان، ناصرالدین‌الآلبانی در مساجد (به‌ظاهر، تحت فشار جماعات صوفیه مورد پشتیبانی دولت) جلوگیری می‌کرد از اوایل دهه ۱۹۹۰ حمایت از طرف‌داران و مریدان وی و زمینه‌سازی برای فعالیت عمومی آنان به‌منظور مقابله با اقتدار و نفوذ اخوان‌المسلمین را آغاز کرد.

از لحاظ فکری، سلفی‌گری محافظه‌کارانه الالبانی، آن‌گونه‌که خود وی تصریح می‌کند، در نظریات «اهل حدیث» ریشه دارد که به باور وی، ایشان نمایندگان اصول، منابع، مصادر حقیقی باور، سلوک، خط اسلام سره و پاک‌اند (الالبانی، ۱۹۹۱: ۴۳ تا ۴۵). درخصوص دموکراسی، وی به عدم امکان جمع میان آن و اسلام اعتقاد داشت. به باور وی، دموکراسی چون مردم را منشأ و مصدر بلامنزاع مشروعیت حاکمیت می‌داند، نظامی طاغوتی و نقیض اسلام است (الالبانی، ۱۴۱۳: ۱۷)؛ انتخابات سیاسی نیز به دلیل ابتدائی آن بر دموکراسی و روش‌های ساخته و پرداخته یهود و نصارا، حرام و طاغوت است (پیشین: ۲۲).

سلفی‌گری سنتی و محافظه‌کار در دوره‌هایی با حمایت دولت تقویت‌شد و در مقابل اخوان قرارگرفت؛ درواقع، این جریان، پیمانی غیررسمی با سازمان‌های رسمی دولت اردن منعقدساخت که طی آن، دولت از مواضع رسمی و علنی سلفی‌گری دایر بر کنارماندن از عمل سیاسی، تشکیک در معارضه با دولت، ضرورت اطاعت از حاکم به‌عنوان «اولی‌الأمر مشروع» و نیز رقابت این جریان با دیگر جماعات اسلامی در مساجد و مجاللات اجتماعی و فرهنگی حمایت‌کرد و از آن در جهت مقابله با این جنبش‌ها و به‌طور مشخص، برای مقابله با اخوان در ابتدا و سپس با جهادیون بهره‌برد؛ درمقابل، سلف‌گرایان نیز از چتر امنیتی وسیع و آزادی عملی گسترده در مساجد و مدارس و دانشگاه‌ها بهره‌مند شدند و دولت، آنان را از هرگونه سخت‌گیری و پیگردی مصون‌داشت و حتی مسیر دریافت پشتیبانی مالی از کشورهای خلیج فارس را (که برای سلفیان ارسال می‌شد) بازگذاشت و تسهیلات لازم را درزمینه چاپ و انتشار کتب و فعالیت‌های مختلف برای آنان فراهم‌کرد (ابورمان و ابوهنیئ، ۲۰۱۲: ۲۲۰).

در خلال جنگ اول خلیج فارس، الالبانی، فتاوایی را مبتنی بر وجوب جهاد ضد آمریکا و عدم جواز یاری‌جستن از اجانب برای بیرون‌راندن عراق از کویت صادرکرد^۱ (ابورمان، ۲۰۱۲: ۲۳۶)؛

۱. در این زمینه رجوع‌شود به بیانیه‌ای که محمد ابراهیم شقرای، شاگرد الالبانی در جریان جنگ خلیج فارس بدون بیان

به‌هرحال، پس از مدتی، الالبانی فوت‌کرد اما اندیشه و طرف‌داران وی، هم‌اکنون در اردن دارای قدرت تأثیرگذاری زیادی در این کشور هستند.

۲-۲- گروه‌های سلفی تکفیری- جهادی: در طول دهه ۱۹۸۰ تغییرهایی در صحنه عمومی سیاسی- اجتماعی کشورهای اسلامی به‌صورت کلی و اردن به‌طور اخص پدیدآمد و البته پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) و نیز موفقیت گروه‌های جهادی مصر در ترور *انور سادات* (۱۹۸۱) در آن تأثیر داشت؛ این تغییر به‌طور عمده در گرایش گروه‌های اسلامی به روش‌های انقلابی و جهادی نمود یافت؛ در واقع، اولین اقدام در جهت جدایی صریح از صفوف اخوان المسلمین براساس افکار سید قطب به‌وسیله محمد رُفت سَعید صالح در سال ۱۹۷۳ و پس از اتمام تحصیلات و بازگشت از عربستان با تأسیس سازمان «طلیعۃ البعث الإسلامی» انجام پذیرفت؛ وی یکی از اعضای شورای اخوان و البته پیرو افکار سید قطب بود و گروهی از همفکرانش با اتخاذ شیوه‌های انقلابی در پی ایجاد دولت اسلامی از طریق جهاد برآمدند؛ با این‌حال، این اقدام استمرار نیافت و رُفت، چندی بعد، پس از مناظراتی با شیخ ناصر الدین الالبانی از افکارش دست‌کشید و سازمان «الطلیعۃ» را منحل کرد (ن.ک. صالح، ۱۹۹۳: ۸ تا ۳۷۶)؛ وی از این پس به جریان سلفی سنت‌گرا و محافظه‌کار به رهبری الالبانی، نزدیک شد.

در اردن این گرایش‌ها به‌صورت جدی ابتدا از سوی گروه‌های فلسطینی مقیم یا دارای پایگاه در این کشور عملیاتی شدند؛ با این‌حال، حرکت فراگیر و تأثیرگذار گروه‌های اسلامی معتقد به مشی مسلحانه، بیشتر از دهه ۱۹۹۰ و با بازگشت گروه‌های درگیر در جنگ افغانستان آغاز شد؛ این افراد که به‌اصطلاح «اعراب افغان» نامیده می‌شدند در قالب گروه‌هایی مسلح شکل گرفتند که یا در پی گسترش قدرت و پایگاه خود در داخل از طریق عملیات‌هایی مانند منفجر کردن سینماها و ... بودند یا در مرزهای اردن و فلسطین به انجام عملیات مسلحانه اقدام می‌کردند (ابورمان، ۲۰۱۲: ۱۴).

شکل نوین اسلام سلفی سیاسی رادیکال به‌گونه‌ای سازمان‌یافته‌تر از نظر فکری و عملی به‌طور تقریبی در سال ۱۹۹۴ و هم‌زمان با اعلان رسمی دستگیری و زندانی شدن «عصام البرقاوی»، معروف به «ابومحمد المقدسی» ظهور یافت (ابورمان، ۲۰۱۲: ۱۵). پیروان او مخفیانه کتاب‌هایی را منتشر می‌ساختند که نوعی سلفی‌گری جدید را ترویج می‌کرد که با سلفی‌گری جماعت «الالبانی» تفاوت داشت و نظام

سیاسی اردن و کشورهای عربی را تکفیر کرده، خواهان تطبیق و تحکیم شریعت اسلامی بود؛ این نحله از سلفی‌گری، ورود و پرداختن به رقابت‌های سیاسی را مردود می‌دانست و بر این باور بود که تغییر جز با توسل به شیوه مسلحانه، ممکن نیست^۱ (عبدالفتاح، ۲۰۰۹).

در پی این موضع‌گیری‌ها، موج دستگیری افراد وابسته به این جریان در اردن شدت گرفت و بسیاری از آنان در محاکم قضایی به جرم انجام اقدام‌های مسلحانه و ترورهای تکفیری، محکوم شدند؛ باین حال همچنان این گروه فعال بود و کتب *المقدسی* و نیز عمر محمود / ابو عمر ملقب به «ابوقتاده الفلستینی» اردنی فلسطینی‌الاصل مقیم لندن، چاپ و منتشر می‌شد (المقدسی، سایت مسلم نت، ۲ اکتبر ۲۰۱۳). در سال ۱۹۹۹ تحولاتی در روش و شیوه سلفیان جهادی به وجود آمد؛ در این سال، پادشاه جدید اردن، فرمان عفو عمومی محکومان سیاسی متهم به تروریسم را صادر کرد و بر اساس آن، افراد وابسته به سلفیه جهادی و در پیشاپیش آنان / *ابومصعب الزرقاوی*، آزاد شدند و بی‌درنگ به افغانستان و سپس عراق رفته، در آنجا به تأسیس گروهی اقدام کردند که بعدها «قاعده‌الجهاد فی بلادالرافدین» نام گرفت (ن.ک.عطوان، ۲۰۰۷: ۲۵۰)؛ البته در خلال سال‌های بعد، مشکلات امنیتی میان این گروه‌های سلفی جهادی و دولت اردن همچنان ادامه یافت که از آن جمله می‌توان به عملیات انفجار و گروگان‌گیری و سپس محاکمه‌های مکرر اشاره داشت که اوج آن ماجرای منفجرکردن سه هتل در عمان در ۹ نوامبر ۲۰۰۵ و پیش از کشته‌شدن *الزرقاوی* در سال ۲۰۰۶ بوده است؛ در خلال این انفجارها ۶۰ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ تن زخمی شدند و خسارات زیادی به این اماکن وارد شد (ابورمان، ۲۰۱۲: ۳۰۷).

نیز، از جمله این گروه‌ها می‌توان به حزب جهاد اسلامی (جماعه‌الجهاد الاسلامی)، حماس، ارتش محمد (ص) (جیش محمد) و جنبش جوانان مسلمان (حرکه‌الشباب الاسلامی) اشاره کرد که به‌طور عمده، قانونی نیستند؛ این احزاب به‌استثنای حماس، خواستار سرنگونی رژیم‌های حاکم و جایگزینی آنها با دولت‌های اسلامی هستند؛ این گروه‌ها در دهه‌های اخیر، فعالیت سیاسی مهمی در این کشور نداشته‌اند و فشار مداوم دولت باعث شده است که بسیاری از رهبران این گروه‌ها اردن را ترک کنند؛ نکته قابل توجه در این زمینه اینکه به‌تازگی و همسو با انقلاب‌ها در کشورهای عربی، تحولاتی جدید

۱. برای آگاهی از افکار و نظریات *المقدسی* رجوع شود به پایگاه اینترنتی این گروه «منبرالتوحید والجهاد»:

<http://www.tawhed.ws>.

در رهبری و سازمان برخی گروه‌های سلفی جهادی مبتنی بر اعلان پذیرش عمل سیاسی آشستی‌جویانه به چشم می‌خورد که در این زمینه می‌توان به *المقدسی* و گروه وابسته به وی اشاره کرد (ابورمان، ۲۰۱۲: ۳۰۱ تا ۳۲۲).

۳- جریان نوگرا و میانه‌رو

این جریان متأخر در اردن را به‌طور عمده «حزب الوسط اسلامی» نمایندگی می‌کند؛ گروهی از اعضای جداشده و مدرنیست اخوان المسلمین این حزب را در تاریخ ۱۹ دسامبر ۲۰۰۱ تأسیس کردند و در اساسنامه، خود را ملتزم به میانه‌روی معرفی کرده‌اند: «حزب ما در مبانی اسلامی و در عملکرد میانه‌رو، متعهد به اردن و معتقد به شیوه‌های سیاسی است. استناد ما در این ویژگی‌ها نص قرآن است که در آن، خداوند امت اسلامی را «امت وسط» قرار داده است». با اینکه گاهی الوسط مواضعی مخالف برخی سیاست‌های دولت اتخاذ کرده، روابط این حزب با دولت اردن، خوب است و ۳ تن از نامزدهای این حزب در انتخابات مجلس چهاردهم اردن (۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷) توانستند به‌عنوان نماینده به مجلس راه‌یابند و ۸ تن از افراد آن نیز در انتخابات شهرداری‌های کشور به شورای شهر عمان و شهرهای دیگر وارد شدند (الطوالبة، ۲۰۱۰: ۴۹).

حزب الوسط با اخوان المسلمین در زمینه پذیرش ارزش‌های دموکراتیک و قواعد بازی سیاسی و عمل بر اساس قانون اساسی اشتراک نظر دارد و گرچه بر تمایز خود در تساهل بیشتر و التزام به اعتدال و میانه‌روی تأکید می‌کند، افتراق اساسی این حزب با اخوان در دو مورد، نمودی واضح‌تر دارد: نخست اینکه اخوان به صفت «معارض بودن» نزدیک‌تر است و مواضعی آشکارتر در برابر مذاکرات و معاهده صلح و دیگر سیاست‌های داخلی و خارجی دولت دارد در حالی که الوسط، اغلب سیاست‌های دولت از جمله معاهده صلح «وادی عربیه» با اسرائیل را به‌استناد تصویب در مجلس و قانونی شدن مشروع می‌داند؛ مورد دوم، اینکه بیشتر رهبران و افراد حزب الوسط، اردنی‌الاصل هستند در حالی که رهبران و اعضای اصلی اخوان به‌طور عمده اصلاتی فلسطینی دارند و البته مقبول و مورد تأیید اردنی‌ها هستند؛ با این حال، پشتوانه اجتماعی و مردمی این حزب در مقایسه با اخوان، اندک است و توانایی رقابت با آن را در انتخابات و فعالیت‌های سیاسی نداشته است. در سال ۲۰۰۷ این حزب یک مرکز مطالعات

بین‌المللی را با عنوان «مرکز فکری و فرهنگی الوسطیة» تأسیس کرد^۱ (ابورمان، ۲۰۱۲: ۱۵) اما این گروه به‌رغم حضور در عرصه سیاسی، پایگاه اجتماعی گسترده‌ای در اردن ندارد.

۴- جریان طرف‌دار خلافت اسلامی

حزب التحریر اسلامی به‌عنوان نماینده این جریان در اردن و سپس در خارج آن، مطرح است. در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۵۲، *تقی‌الدین النبهانی*، *داود حمدان*، *منیر شقی*، *عادل النابلسی* و *غانم عبده*، طی درخواستی رسمی به وزارت کشور اردن، خواستار اجازه تأسیس «حزب التحریر» شدند. شیخ *تقی‌الدین النبهانی* در سال ۱۹۰۹ در شهر حیفاء در فلسطین به دنیا آمد و سپس برای کامل کردن تحصیلات دینی به الأزهر مصر رفت و پس از اتمام تحصیلات در سال ۱۹۳۲ به فلسطین بازگشت (سماوه، ۱۹۹۱: ۱۴۱)؛ در پی حوادث سال ۱۹۴۷ و اشغال فلسطین میان آنجا و اردن و سوریه در تردد بود و در نهایت به بیروت رفت و تا پایان عمرش در ۱۹۷۷ در آنجا ماند. اگرچه النبهانی خود را از نظر فکری به اخوان به‌ویژه حسن البنا نزدیک می‌دید، عضو این جمعیت نشد و اخوان نیز به او نظر مساعد داشت و اجازه استفاده از پایگاه‌های اخوان برای تشکیل جلسات تدریس و چاپ مقالات وی در مجلات این جماعت وجود داشت (الخیاط، ۱۹۹۵: ۳۰). وی حتی در دوره‌ای به *سید قطب* و به‌ویژه کتاب وی با عنوان *العدالة الاجتماعية فی الإسلام*، گرایش نشان داد و از وی تأثیرپذیرفت (ن.ک. العبیدی، ۱۹۹۹: ۱۲۴)؛ باین‌حال، روابط النبهانی با اخوان پس از ماجرای دعوت اخوان از وی برای ایراد سخنرانی در یکی از محافل اخوان در قدس به تیرگی گرایید؛ وی در این سخنرانی بیان کرد که پیدایی و قوام ملل، امری نه اخلاقی (آن‌گونه که اخوان می‌اندیشد) بلکه مبتنی بر باورداشت‌ها و اندیشه‌هایی است که دارند و نیز سازمانی است که برپایی دارند (أمین، ۱۹۷۶: ۹۳).

النبهانی از ابتدای تأسیس حزب التحریر با نگارش کتب و رساله‌هایی به تبیین هویت، اهداف و برنامه حزب همت گماشت که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کتاب *نظام الإسلام و طریق الإیمان* اشاره کرد (البغدادی، ۱۹۹۴: ۱۲). طرح و اندیشه «دولت اسلامی» جایگاهی مهم و تعیین‌کننده در بنیاد نظری حزب التحریر دارد و سایه خود را بر بیشتر فعالیت‌ها و راهبردهای سیاسی و عملی حزب گسترده است (بلقزیز، ۲۰۰۴: ۱۲۹). در اساسنامه رسمی این حزب آمده است: «این حزب در پی

۱. متدی الوسطیة للفکر والثقافة.

بازگرداندن حیات اسلامی است و تلاش خواهد کرد تا برای محقق‌ساختن این هدف به حاکمیت دست یابد، چراکه برای احیای شیوه زندگی اسلامی، ایجاد دولتی اسلامی ضرورت دارد و اردن نقطه آغاز تأسیس آن خواهد بود^۱ (قواس، ۲۰۱۱)؛ النبهانی تأکید داشت که حزب التحریر در واقع به هدف اجابت فرمان الهی «ولتکن منکم أمةٌ يدعوون إلى الخیر وبأمر من بالمعروف وبنهون عن المنکر وأولئک هم المفلحون» و در جهت جلوگیری از به سرایشی افتادن امت اسلامی و آزادساختن یا همان «تحریر» امت از افکار، نظام‌ها و احکام کفر و فرادستی و نفوذ دولت‌های کافر تأسیس شده است (حزب التحریر، ۱۹۸۵: ۲). از نظر حزب، یکی از اساسی‌ترین دلایل انحطاط امت اسلامی از میان رفتن مفهوم خلافت و دولت اسلامی به دست استعمار و غرب است که باعث استیلاي کفار بر بیشتر بلاد اسلامی شد (مذکره من حزب التحریر، ۱۹۸۵: ۴).

بیان این نکته، ضروری است که هرچند حزب التحریر و اخوان المسلمین هر دو دعوی پرچم‌داری اسلام را دارند اما حزب التحریر به لزوم اقدام به تأسیس خلافت و دولت اسلامی در آغاز کار اعتقاد دارد در حالی که اخوان المسلمین بر تقدم یکپارچگی امت عربی به عنوان داعیان اسلام تأکید داشته، تأسیس دولت را در مرحله بعد می‌داند (مصالحة، ۱۹۹۹: ۵۵ و ۵۶)؛ بر این اساس، دولت اردن، همواره نسبت به حزب التحریر که شعار اولویت تشکیل دولت اسلامی را سرمی‌دهد، بدبین بوده و اجازه فعالیت به آن را نداده است اما این جریان فکری به صورت غیرقانونی و مخفیانه به فعالیت‌های تبلیغی خود در اردن و دیگر کشورهای اسلامی ادامه می‌دهد.

ج- چالش‌های درونی جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا در اردن

همان‌طور که بیان شد، چند جریان مهم سیاسی اسلام‌گرا در اردن وجود دارند که عبارت‌اند از: اخوان المسلمین، سلفی‌های سنت‌گرا و سلفی‌های تکفیری- جهادی، برخی نوگرایان اسلامی مانند حزب الوسط و نیز خلافت‌خواهان به نمایندگی حزب التحریر که تلاش می‌کنند در عرصه سیاسی این کشور، نقش ایفاکنند؛ اما این جریان‌ها گذشته از ناهمگونی در برخی دیدگاه‌ها، با چالش‌های درونی نیز مواجه‌اند که واکاوی این تفاوت‌ها و چالش‌ها موضوع بحث ادامه این نوشتار است.

۱. گرچه وزارت کشور اردن اعلام کرده در آن تاریخ از اعطای مجوز تأسیس به این حزب به دلیل ماهیت برنامه اعلام شده آن، سربازده است (قواس، ۲۰۱۱).

۱- چالش‌های درونی اخوان در اردن

در روند تحولات، از درون اخوان‌المسلمین سه جناح «میان‌رو، رادیکال و اصلاح‌طلب» به وجود آمده که میان‌روها از گفتگوی راهبردی با حکومت به‌عنوان طرف اصلی در معامله سیاسی و سپس تعیین نوع روابط فی‌مابین در مرحله آینده حمایت می‌کنند اما اسلام‌گرایان رادیکال، حکومت را فاسق و نامشروع دانسته، خواستار تحول اساسی در مشروعیت حکومت هستند و جریانی سوم که می‌توان آنها را اصلاح‌طلبان سیاسی نامید از اصلاحات سیاسی در این کشور و تشکیل حکومتی مشروطه در اردن طرف‌داری می‌کنند.

اهداف گروه اصلاح‌طلب مبنی بر لزوم ایجاد تغییرات عمیق در قواعد بازی فعلی و انتقال از مشارکت جزئی به مشارکت کامل، از طریق اجرای بند مربوط به ایجاد نظام پارلمانی در حکومت با تأکید بر این سه اصل است: بازگرداندن اعتبار به نهادهای قانون اساسی، تثبیت اصل جدایی و استقلال قوا و تأکید بر اصل «امت به‌عنوان منبع قدرت و اختیارات»؛ به‌منظور تحقق این اهداف، آنها معتقدند که «مبارزه نرم» جماعت، کارایی و نتایج لازم را ندارد و تنها راه‌حل، روی آوردن به مبارزه سخت است؛ برای این منظور باید سقف گفتمان سیاسی و انتقادات را به همراه گسترش اعتراض‌ها تا حد خطوط قرمز بالا برد، نباید بار سنگین طرح اصلاح‌طلبی را تنها بر دوش اخوان گذاشت بلکه باید تمام ایدئولوژی‌ها، مکاتب و مشارب سیاسی و فکری مختلف را (که قائل به لزوم اصلاحات سیاسی هستند) با خود همراه کرد (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

به‌نظرمی‌رسد این رویکرد نقشی بزرگ در گفتمان‌ها و مباحث درونی اخوان داشته‌است به‌طوری‌که «دایره سیاسی» اخوان هنگامی که جماعت در بیانیه‌ای به تشریح برنامه خود برای مرحله تحریم پرداخت، به مواردی به‌عنوان خواسته‌های اخوان از دولت اشاره کرد که همان خواسته‌های اصلاح‌طلبان بود؛ درخواست‌های جماعت در این بیانیه عبارت بودند از: انجام اصلاحاتی در قانون اساسی که باعث احیای توازن و تعادل میان سه قوه شود، وضع قوانینی برای اجرای انتخاب نخست‌وزیر و هیئت دولت از طریق برگزاری انتخابات عمومی، لغو قوانین و مصوباتی که آزادی‌های عمومی را محدود می‌کنند، وضع قانون انتخابات جدید به‌نحوی که امکان رقابت حزبی و نیز رقابت میان فهرست‌ها و گردش قدرت را فراهم کند.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، مهم‌ترین نکته‌ای که در این برنامه مطرح شده‌است، موضوع اصلاحات

سیاسی به‌عنوان اصلی‌ترین خواسته و اولویت حرکت اسلامی و سپس اصلاحات قانون اساسی، انتخابات نخست‌وزیر، گردش قدرت و رقابت حزبی است؛ این اصلاحات، همگی گویای بروز تحولی ضمنی در دیدگاه و نگرش این حرکت اسلامی نسبت به مسائل داخلی است (محمد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵۵).

بنابراین، جریان اسلام‌گرای اخوان به‌عنوان مهم‌ترین جریان سیاسی-اسلامی در اردن هم‌اکنون به‌طور عمده، خواستار اصلاحات سیاسی جدی و اساسی در کشور و ایفای نقش جدی مردم در حکومت است و از روش‌هایی مختلف برای رسیدن به این هدف حمایت می‌کند.^۱

در جریان انقلاب‌های جهان عرب از سال ۲۰۱۱، اخوان‌المسلمین و شاخه سیاسی آن، جبهه عمل اسلامی نیز با تظاهرکنندگان اردنی، همراه شد و در ساماندهی مطالبات سیاسی ایشان مشارکت داشت (Ottaway and Hamzawy 2011:10) و البته این مطالبات هیچ‌گاه به سمت درخواست سرنگونی رژیم پادشاهی یا خاندان هاشمی اردن پیش‌نرفت بلکه رهبران اخوان، به‌عنوان نمونه حمزه منصور، دبیر کل جبهه عمل اسلامی، همچنان بر اعلام وفاداری خود به رژیم و خاندان حاکم اصرار داشتند (اسشنکر و پولاک، ۲۰۱۱: ۲).

حزب عمل اسلامی به‌عنوان نماینده سیاسی جریان اخوان از نظر فکری در سال‌های گذشته به تحولی اساسی، دچار شده است از جمله اینکه تا سال ۲۰۰۷، دعوت به پیاده‌کردن شریعت اسلامی، بخشی از مرام‌نامه جبهه عمل اسلامی اردن بود؛ اما از این سال، این حزب، موضوع حمایت از قانون شریعت را از مرام‌نامه خود حذف کرد و به‌جای آن، دیدگاه حزب را منبعث از اهداف غایی و اصلی شریعت مانند محافظت از زندگی، خرد، آزادی، مالکیت و حرمت انسان اعلام کرد (کرزمن، ۲۰۰۸: ۱۷)؛ همچنین مرام‌نامه جبهه عمل اسلامی اردن در سال ۱۹۸۹ متضمن «پشتیبانی از جنبش‌های جهادی در

۱. هم‌زمان با انقلاب‌های مردمی مصر و تونس در ۲۰۱۱، شهروندان اردنی نیز به وضعیت موجود در کشور اعتراض کرده‌اند و هر هفته پس از اقامه نماز جمعه شهرهای مختلف این کشور شاهد حضور انبوه شهروندان بوده که خواستار [ایجاد] تغییرهایی اساسی در حوزه اداره کشور شده‌اند. همچنین آنها با به‌آتش‌کشیدن پرچم رژیم صهیونیستی، خواستار اخراج سفیر رژیم صهیونیستی از امان، لغو پیمان سازش اردن و رژیم صهیونیستی (موسوم به وادی عربی) و قطع کامل روابط با این رژیم جنایت‌کار شدند؛ در این میان، عمده خواسته تظاهرکنندگان برکناری دولت، انحلال پارلمان و ایجاد تحول‌هایی سریع و عینی برای پیشبرد طرح اصلاحات سیاسی است؛ در این میان، جماعت اخوان‌المسلمین نیز پایه‌های نیروهای سیاسی و جدید مخالف دولت در این تظاهرات شرکت کردند.

دنیای اسلام» است؛ با این حال، مرام‌نامه‌های منتشر شده این حزب در سال‌های بعد (۱۹۹۳، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷)، دیگر دربرگیرنده این فراز نیستند، اگرچه به جهاد در فلسطین، عراق و نیز جهاد به‌عنوان دفاع ملی اشاره دارند (کرزمن، ۲۰۰۸: ۱۷).

۲- چالش‌های فکری میان سلف‌گرایان سنتی و سلف‌گرایان تکفیری

اگرچه هر دو گروه از سلفیان در اصول اولیه، منابع و نصوص و نیز پیشینه سازمانی اشتراک دارند، عواملی مهم، آن دو را از هم متمایز می‌سازد: جهاد ضد رژیم و مسئله تکفیر (استیمن، ۲۰۰۸: ۱۵). *الْألبانی*، مؤسس سلفیه اردن، تفکر سلفی جهادی را درخصوص تکفیر و افراط‌گرایی بر بنیاد فکر خوارج می‌دانست (الْألبانی، ۱۹۹۷: ۱۳) و معتقد بود که «این گروه‌های تکفیری که مسلمانان را از دین، خارج می‌شمرند، اهل رستگاری نیستند بلکه از گمراهانی‌اند که رسول/الله (ص) ما را از آنان باخبر ساخته است» (الْألبانی، ۲۰۰۶: ۲۰).

۳- چالش‌های فکری میان سلفیان و اخوان

سلفی‌گری از ابتدای حضور خود در صحنه اجتماعی و سیاسی اردن، مخالفت خود را با جماعت اخوان و افکار آن اعلام کرد که یکی از اسباب اساسی آن، ناسازگاری تفکر *الْألبانی* با کار سیاسی و حزب، حتی از نوع اسلامی آن، بود؛ سبب دیگر، تهاجم علنی و صریح وی، ضد افکار و باورهای دینی جماعت‌های دیگر بود با این استدلال که از لحاظ عملی و نظری، به عقاید و شیوه سلف صالح، ملتزم نیستند (ابورمان و ابوهنیه، ۲۰۱۲: ۲۲۰).

در واقع، موضع *الْألبانی* نسبت به اخوان، دو مرحله قابل تفکیک را پشت سر گذاشته است: نخست دوره‌ای که *الْألبانی* در سوریه اقامت داشت و ارتباط وی با اخوان دوستانه و همسو بود به نحوی که در بسیاری از حلقه‌های درس اخوان در سوریه و اردن شرکت می‌کرد و در مجلات آنان از جمله *التمدن الإسلامي* مقاله می‌نوشت و خود وی از این دوران به‌عنوان روزگاری که بسیاری از اعضای اخوان در روس وی حاضر می‌شدند به نیکی یاد کرده است (الشیبانی، ۲۰۰۴: ۳۹۵/۱)؛ مرحله دوم، پس از استقرار و سکونت *الْألبانی* در اردن در سال ۱۹۸۰ است که طی آن، روابط و مواضع وی در قبال اخوان، تغییرهایی اساسی یافت تا حدی که جماعت اخوان، اعضای خود را از حضور در مجالس درس و وعظ *الْألبانی* بر حذر داشت؛ *الْألبانی* در این دوره بر شکست و فروپاشی اخوان از درون تأکید می‌کند

و سبب آن را عدم فهم حقیقت اسلام و شیوه سلف صالح می‌داند. یکی از مسائل اساسی که وی و پیروانش ضد اخوان مطرح می‌کنند بیعت (با مرشد) در این جماعت است که آن را مصداق بدعت و لذا نامشروع و عامل تفرقه می‌شمردند و حملاتی گسترده را بر سر آن، ضد اخوان ترتیب دادند (ر.ک. عبدالحمید، ۱۴۰۶ ه.ق.) و شاید بتوان بیشترین هجمه و انتقاد الالبانی و سلفیه سنتی ضد اخوان را به یکی از سردمداران فکری آن، سید قطب، مربوط دانست. الالبانی در مرحله نخست از سید قطب به نیکی و با عنوان «استاد ادیب» یاد می‌کرد اما در مرحله بعد، انتقادات و موضع‌گیری‌هایی شدید نسبت به او بیان کرد و تألیف‌هایی بسیار در نقد جریان اخوان متأثر از سید قطب نوشت و تاحد متهم ساختن وی به کفر و خروج از دین پیش‌رفت (ن.ک. البتیری، ۲۰۰۵)؛ از سوی دیگر، گروه‌های جهادی و سلفی معارض نیز در پی بیرون‌راندن اخوان از صحنه سیاسی اردن و ایجاد زمینه برای کسب پشتیبانی وسیع مردمی برای خود به‌عنوان جایگزین بوده‌اند، رویکردی که به‌نوبه خود به کاهش تأثیر و نفوذ گروه‌های شبه‌نظامی جهادی منجر شده است (کوپرولو، ۲۰۱۲: ۱۴).

۴- موضع سلف‌گرایان در قبال حزب التحریر

موضع سلف‌گرایان سنتی در قبال حزب التحریر نیز بسیار شدید و منتقدانه است چه آنکه الالبانی آنان را جوجه‌های (فرزندان) معتزله یا به اعتباری، نومعتزلیان می‌داند که برخلاف کتاب و سنت، عقل را مستند خود در اجتهاد، مواضع و شیوه عمل قرار می‌دهند و بدین سبب در دایره بدعت، گرفتار آمده‌اند و لذا در شمار گروه‌های نارستگار و درهلاک‌افتاده خواهند بود؛ الالبانی، این موضع را به‌صراحت در نقد کتاب *نظام الإسلام* نوشته *تقی‌الدین النبهانی*، رهبر جبهه التحریر اعلام کرده و وی و گروهش را به مخالفت با کتاب، سنت و شیوه سلف صالح متهم ساخته است؛ گذشته از این، باور این گروه به شیوه‌های سیاسی و تحزب نیز یکی از نقدهای شدید الالبانی و سلفیان سنتی بر جبهه التحریر به‌شمار می‌رود (آل عبدالعزیز، ۲۰۰۶: ۷۴ تا ۸۹).

ت- جریان‌های اسلام‌گرا و دولت در اردن

دولت اردن، همواره تلاش کرده است براساس منافع و مصالح خود از برخی جریان‌های اسلامی در مقابل دیگران حمایت کند؛ برای نمونه در دوره‌ای، موج دستگیری افراد وابسته به جریان تکفیری در اردن شدت گرفت و بسیاری از آنان در محاکم قضایی به جرم انجام اقدام‌های مسلحانه و ترورهای

تکفیری، محکوم شدند؛ در زمانی دیگر به سلفی‌های رادیکال، آزادی عمل بیشتری داد (المقدسی، سایت مسلم نت، ۲-۱۰-۲۰۱۳) و پادشاه جدید اردن، فرمان عفو عمومی محکومان سیاسی متهم به تروریسم را صادر کرد (ن.ک.عطوان، ۲۰۰۷: ۲۵۰) یا در دوره‌هایی از سلفی‌گری سنتی و محافظه‌کار در مقابل اخوان حمایت کرد (ابورمان و ابوهنیة، ۲۰۱۲: ۲۲۰). در سال‌های اخیر، پادشاهی اردن برای جلوگیری از گسترش فعالیت سلفیان و دیگر گروه‌های اسلامی، خود را ناگزیر از پشتیبانی و تأمین فضای عمل برای اخوان و حزب سیاسی آن یعنی جبهه عمل اسلامی دیده‌است (کوپرولو، ۲۰۱۲: ۱۴).

۵- نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد، ضمن ترسیم آخرین صف‌بندی جریان‌های سیاسی اسلام‌گرا در اردن با نگاهی عمیق‌تر به جنبش اسلام‌گرایی در اردن به بررسی چالش‌های فکری درونی آنها بپردازیم. همان‌طور که بیان شد جنبش اسلام‌گرا در اردن، ماهیتی واحد ندارد و چند جریان مهم شامل اخوانی‌ها، سلفی‌های سنتی و سلفی‌های تکفیری و حزب التحریری‌ها و جریانی کوچک از نوگرایان میانه‌رو و عمل‌گرا مانند حزب الوسط را دربرمی‌گیرد که تفاوت‌های فکری مختلفی با هم دارند؛ سلفی‌گرایان سنتی، اخوانی‌ها را به عدم التزام به سیره سلف و شریعت متهم می‌کنند و تفکر سلف‌گرایان جهادی و تکفیری را افراط‌گرایی بر بنیاد فکر خوارج می‌دانند و حزب التحریر را پیروان معتزله یا به اعتباری «نومعتزلیان» می‌دانند که برخلاف کتاب و سنت، عقل را مستند خود در نظر و عمل قرار می‌دهند و بدین سبب در دایره بدعت، گرفتار آمده‌اند؛ درمقابل نیز این جریان‌ها، سنت‌گرایان را به محافظه‌کاری متهم کرده، آنها را عامل مشکلات کشور می‌دانند؛ در همین حال، هریک از جریان‌های یادشده در درون خود با چالش‌های فکری مختلف و گروه‌بندی‌های درونی مواجه‌اند که این امور، موجب عدم توانایی آنها در اتخاذ مواضع منسجم و قوی در عرصه سیاسی شده، توانایی قدرت سیاسی آنها را کاهش داده‌اند و ازسوی دیگر، موجب استفاده دولت از این وضعیت و برخورد دفعی یا جذبی با این گروه‌ها براساس مصالح سیاسی خود شده‌است.

فهرست منابع

۱- منابع فارسی و عربی

- آل عبد العزيز، موسى بن عبدالله (۲۰۰۶)؛ «المقالات المنجية في حزب التحرير والجماعات التكفيرية من المجلة السلفية للإمامين ابن باز والألباني»، كتاب السلفية؛ الطبعة الأولى، الرياض: دارالبحوث والدراسات المعاصرة والتراجم.
- ----- (۲۰۰۶)؛ «المقالات السننية في حزب التحرير والجماعات التكفيرية»، كتاب السلفية؛ الطبعة الأولى، الرياض: دار البحوث والدراسات المعاصرة والتراجم.
- الألباني، محمد ناصر الدين (۱۹۹۱)؛ صفة صلاة النبي صلى الله عليه وسلم من التكبير إلى التسليم كأنك تراها؛ الطبعة الأولى للطبعة الجديدة، الرياض: مكتبة المعارف.
- ----- (۱۹۹۷)؛ فتنة التكفير، إعداد على بن حسن عبد الحميد؛ الطبعة الثانية، الرياض: دار ابن خزيمة.
- الألباني، محمد بن ناصر و الوادعي، مقبل بن هادي وآخرون (۱۴۱۳)؛ مسائل عصرية في السياسة الشرعية؛ ۱۵ جمادى الآخرة، العدد الثاني.
- البتيري، وائل (۲۰۰۵)؛ كلمة حق للمحدث الألباني في الأستاذ سيد قطب؛ الطبعة الأولى، عمان، الأردن: مكتبة البراق.
- أبورمان، محمد و حسن أبو هنيّة (۲۰۱۲)؛ الحل الإسلامي“ في الأردن: الإسلاميون والدولة ورهانات الديمقراطية والأمن؛ الأردن: مؤسسة فريدريش إيبيرت.
- الزهيري، سمير بن أمين (۱۴۲۱)؛ محدث العصر الألباني؛ الطبعة الثانية، الرياض: دار المغنى للنشر والتوزيع.
- اسپوزيتو، جان ل (۱۳۸۸)؛ دايره‌المعارف جهان نوين اسلام (ج ۱ و ۲)؛ ترجمه حسن طارمی و ديگران؛ ج ۱، تهران: نشر کتاب مرجع و نشر کنگره.

- سمارة، إحسان (۱۹۹۱)؛ مفهوم العدالة الاجتماعية في الفكر الإسلامي المعاصر؛ الطبعة الثانية، بيروت، لبنان: دار النهضة الإسلامية.
- الشيباني، محمد بن إبراهيم (۲۰۰۴)؛ حياة الألباني وآثاره وثناء العلماء عليه؛ الطبعة الثانية، الكويت: منشورات مركز المخطوطات والتراث.
- الطوالة، عبدالله (۲۰۱۰)؛ الحياة النبوية الأردنية ومراحل تطورها؛ الأردن: منشورات دائرة المطبوعات والنشر.
- العبيدي، عوني جدوع (۱۹۹۲)؛ حزب التحرير الإسلامي: عرض تاريخي، دراسة عامة؛ عمان: دار اللواء للصحافة والنشر.
- عطوان، عبد الباري (۲۰۰۷)؛ القاعدة: التنظيم السري؛ الطبعة الأولى، بيروت، لبنان: دار الساقى.
- العلي، إبراهيم محمد (۲۰۰۱)؛ محمد ناصر الدين الألباني؛ محدث العصر وناصر السنة، الطبعة الأولى، دمشق، سورية: دار القلم.
- علي حسن علي عبد الحميد (۱۴۰۶)؛ البيعة بين السنة والبدعة عند الجماعات الإسلامية؛ الطبعة الأولى، عمان: المكتبة الإسلامية.
- «لقاء مع الدكتور عبد العزيز الخياط أجراه فيصل الشبول»، مجلة الوسط؛ لندن: ۱۹۹۵/۷/۱۰، العدد ۱۸۹، ص ۳۰.
- مجموعة من المؤلفين (۲۰۱۱)؛ رماح الصحائف: السلفية الألبانية وخصومها؛ الطبعة الثانية، دبي، الإمارات: مركز المسبار للدراسات والبحوث.
- محمد، ابراهيم و ديگران (۱۳۹۰)؛ اخوان المسلمين اردن؛ ترجمه گروه ترجمه مؤسسه انديشه سازان نور؛ تهران: انديشه سازان نور.
- مصالحة، محمد (۱۹۹۹)؛ التجربة الحزبية السياسية في الأردن؛ الطبعة الأولى، دار وائل للطباعة والنشر.

- هادی، موسی (۲۰۰۳)؛ محدث العصر الإمام محمد ناصر الدین الألبانی كما عرفته؛ الطبعة الأولى، دار الصديق، الجبیل، المملكة العربية السعودية.

۲- منابع انگلیسی

- Abdul Kazem, A, 1997, "The Muslim Brotherhood: Historic Background and Ideological Origin," in Al-Urdun Al-Jadid Research Centre, *Islamic Movements in Jordan* (Amman: Sindbad Publishing House, 1997), pp. 13-43.
- Eyadat, Z, 1997, "The Islamic Movements and Political Participation", in UJRC, *Islamic Movements and Organisations in Jordan* (Amman, Sindbad Publishers, 1997), pp. 143-166.
- Harrigan and El-Said, 2009, "Economic Liberalisation",. Cited in; Hamed El-Said and James E. Rauch , *Education, Political Participation, and Islamist Parties: The Case of Jordan's Islamic Action Front*, Department of Economics, University of California, San Diego, La Jolla, CA, First submitted in June 2011. Modified and resubmitted in August 20.
- Köprülü, Nur, 2012, *Actors and Choices in Jordan*, Insight Turkey.
- Kurzman, Charles and Naqvi, Ijlal, 2009, *Islamic Political Parties and Parliamentary Elections*, 2008, University of North Carolina, Chapel Hill, United States Institute of Peace, Working Paper.
- Ottaway, Marin & Hamzawy, Amr, 2011, "Protest Movements and Political Change in the Arab World", Carnegie Endowment, Policy Outlook, available: http://carnegieendowment.org/files/OttawayHamzawy_Outlook_Jan11_ProtestMovements.pdf - rev. 11-11-0.
- Schenker, David & Pollock, David, 2011, Jordan: Heightened Instability, But Not Yet a Major Crisis, The Washington Institute, Policy Watch No. 1748, at: <http://www.washingtoninstitute.org/templateC05.php?CID=3298> – rev. 11-11-05.
- Stemman, Juan Jose Escobar. 2008, Islamic Activism in Jordan, Athena Intellectual Jour, Vol. 3, No 3, pp. 7-18

۳- منابع الکترونیکی

- مقابله مع شریف عبدالفتاح (أبو أشرف)، فی منزله بالزرقاء، بتاريخ ۱۸-۸-۲۰۰۹ (مندرج در: ابورمان، ۲۰۱۲: ۲۹۱)
- المقدسی، أبو محمد، الثبات الثبات فی زمن التراجعات، علی موقع المسلم، الرابط التالی:
<http://www.muslim.net>.

Islamist Political Movements and Internal Challenges in Jordan

Fozi, Y. ^{1*}
Hashemi, S.A. ²

Received on: 09/08/2014
Accepted on: 02/18/2015

Abstract

In a general view, it seems that Islamism movement in Jordan does not have unique identity, and includes Ekhvan Al Moslemin, Salafi Jihadism and Takfiri and small moderate movements such as Alvasat party. The main purpose of this paper is deeper review of Islamism movement in Jordan, effort for identification of Islamist political parties in Jordan, their arrangement in political scene, their internal mental challenges, and their positioning to each other.

Keywords: Islamist political movements, Jordan, Ekhvan Al Moslemin, Traditional Salafism, Takfiri, Tahrir Party, Alvasat Party.

1*. Professor of Political Sciece at Institute for humanities and cultural studies.

(Corresponding Author: yahyafozi@yahoo.com)

2 . Assistant professor, Faculty of Political Science, Imam Khomeini University of Qazvin.